

انگیزه مهاجرت بازگشتی در شهر سقز: دافعه‌های شهری یا جاذبه‌های روستایی^۱

کاوه سلیمی*، شفیعه قدرتی**، حسین قدرتی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۹)

چکیده

بازگشت به مبدأ مهاجرتی و یا ماندن در مقصد، دو گزینه‌های است که از آغاز مهاجرت در ذهن مهاجرین نقش می‌بندد. هدف مقاله حاضر بررسی جاذبه‌های روستایی و دافعه‌های شهری مرتبط با انگیزه مهاجرت بازگشتی و شناخت اهمیت هر یک از آنها در شکل‌گیری انگیزه مهاجرت بازگشتی است. روش تحقیق به صورت آمیخته است و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه و پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، افراد ۲۰ تا ۶۵ ساله شهر سقز و ساکن در سه محله بهارستان بالا، بهارستان پایین و تازه‌آباد هستند. یافته‌های بخش کیفی، در جهت شناخت عمیق‌تر از بستر مورد مطالعه و تدوین پرسشنامه به‌کار رفت. در بخش کمی مطالعه، متغیرهای سطح تحصیلات، شبکه روابط شهری، شبکه روابط روستایی، تعلق بومی، و خدمات و امکانات روستایی رابطه مثبتی با انگیزه بازگشت نشان دادند. اما متغیرهای سن و تعداد فرزندان رابطه معنیداری با انگیزه بازگشت نشان ندادند. در نهایت در تحلیل رگرسیون چندگانه مشخص شد که انگیزه بازگشت، بیشتر بازتابی از جاذبه روستایی است تا دافعه شهری و ویژگی‌های زمینه‌ای مهاجران.

کلیدواژه‌ها: انگیزه، مهاجرت بازگشتی، جاذبه‌های روستایی، دافعه‌های شهری، شهر سقز.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه حکیم سبزواری می‌باشد.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری.

E-mail: kavehsalimi1948@gmail.com

** استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول).

E-mail: shghodrati@gmail.com

*** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

E-mail: hosseineghodrati@gmail.com

مقدمه

مهاجرت، مهمترین عامل در بازتوزیع جمعیت‌ها است و تأثیر بسزایی بر ساختار جمعیتی دارد. در ایران، عمده مهاجرت‌های داخلی طی دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ و در قالب مهاجرت‌های روستا شهری بوده است (اصلائی، ۱۳۸۵ و قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۸۷). مهاجرت‌های بی‌رویه عامل اصلی رکود کشاورزی و تشدید مشکلات شهری است؛ تاجایی که امروزه برخی از مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه را به مهاجرت‌های داخلی نسبت می‌دهند (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۷۷). رویکردهای انتقادی، توسعه وابسته را عامل اصلی شکل‌گیری نابرابری و شکاف شهر و روستا می‌دانند و عامل اصلی در تداوم مهاجرت، در این نابرابری نهفته است. تخلیه روستاها، بیکاری و کم‌کاری، تضعیف تولید محصولات دامی و کشاورزی، بروز نابسامانی‌های متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری، کمبود فضای زیستی و آموزشی، آلودگی هوا و محیط زیست و... از پیامدهای مهاجرت انبوه روستا به شهر است. این در حالی است که می‌توان با استفاده از توانایی، تجربه و مهارت مهاجران بازگشتی، برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، و در نهایت توسعه کشور به‌عنوان یک راه‌حل مناسب استفاده کرد (اندرسون^۱، ۲۰۰۲: ۸).

سیاست‌گذاران، دولتمردان و مدیران شهری برای حل مسائل و مشکلات ناشی از مهاجرت و همچنین مقابله با آن در پی تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی هستند. چنانکه نتیجه مطالعه‌ی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که از ۱۶۹ کشور، ۱۴۱ کشور دارای سیاست‌های کاهش سرعت یا معکوس کردن روندهای جاری مهاجرت بودند (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۶۷). بدین ترتیب یکی از اهداف سیاست‌های مهاجرتی، معکوس‌سازی روند مهاجرت است و در قانون برنامه پنجم توسعه ایران ماده‌ای به توسعه روستایی اختصاص دارد که دولت را مکلف به اجرای سیاست‌گذاری و راهبردهایی همچون کاهش نابرابری بین جامعه شهری و روستایی می‌کند. یکی از این راهبردها، حمایت و تشویق مهاجران برای بازگشت به روستاها است.

مهاجرت بازگشتی یا معکوس، مهاجرت در جهت عکس است. اگرچه معنای دقیق، مشخص و استاندارد در قوانین ملی و بین‌المللی برای آن ذکر نشده است، اما اصطلاحات

1. Andersen

مختلفی همچون مهاجرت پشت سرهم، ضد جریان، مهاجرت مجدد، مهاجرت رفلکس، جریان بازگشت، مهاجرت بازگشت، معکوس، مهاجرت دوم و بازگشت استفاده می‌شود (بونکر نک^۱، ۲۰۱۲: ۴). مهاجرت بازگشتی پدیده‌ای است در حال رشد که بیانگر مهاجرت و بازگشت به مبدأ مهاجرتی برای مهاجران است. جریانی که فرد یا افرادی به دلایل مختلفی به محل سکونت قبلی و موطن خود برمی‌گردند (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۶). در تعریف‌های مختلف از مهاجرت معکوس، بیشتر بر دلایل اقتصادی تأکید دارند و آن را واکنشی نسبت به مشکلات زندگی در شهر، و یا وجود جاذبه‌های مختلفی برای درآمدزایی همچون دامداری، کشاورزی و بازنشستگی در روستاها می‌دانند (اوکالی^۲ و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۵).

طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ از مجموع مهاجرت‌های داخلی، ۶۰/۰۳ درصد به صورت شهر به شهر، ۱۲/۸۷ درصد به صورت روستا به شهر، ۱۴/۸۴ درصد به صورت شهر به روستا و ۷/۲۴ درصد نیز به صورت روستا به روستا بوده است (وارثی و باقری، ۱۳۹۲). به دنبال گسترش مهاجرت معکوس، در استان کردستان نیز، طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۱۴۵۳ نفر تجربه مهاجرت از شهر به روستا را داشته‌اند. نتایج یافته‌های قاسمی اردهایی و همکارانش (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که بعد از استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی و زنجان، استان کردستان، بیشترین درصد مهاجرت شهر به روستا را دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، پدیده بازگشت به روستا شایان توجه و مطالعه است؛ چرا که علاوه بر اثرگذاری بر ساختارهای جمعیتی شهرها و به‌ویژه روستاها، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی فراوانی خواهد داشت. در این مطالعه به بررسی انگیزه بازگشت مهاجران روستایی که در شهر سقز ساکن شده‌اند، پرداخته شده و علل مرتبط با آن به صورت جاذبه‌های روستایی و دافعه‌های شهری بررسی شده است. پدیده‌های اجتماعی تحت تأثیر زنجیره‌ای از عوامل هستند، باین وجود، این مطالعه به دنبال آن است که تأثیرگذارترین عوامل را دریابد. پرسش اساسی این پژوهش آن است که آیا انگیزه بازگشت به روستا عمدتاً به دلیل دافعه‌های شهری است و یا جاذبه‌های روستا؟

1. Bovenkerk
2. Okali

چارچوب نظری

مطالعه مهاجرت صرفاً در حیطه جمعیت‌شناسی نیست و از زمان ظهور جامعه‌شناسی و هم‌زمان با شهرنشینی و صنعتی شدن، مهاجرت نیز مورد توجه جامعه‌شناسان کلاسیک به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم قرار گرفته است؛ اما دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با مهاجرت معکوس در دهه ۱۹۶۰ شروع شد و در دهه ۱۹۸۰ با وسعت بیشتری مورد توجه متخصصان قرار گرفت (پیرکاسارینو، ۲۰۰۴).

در ادبیات مهاجرت، مهاجرت بازگشتی به‌طور مجزا و در قالب نظریه بررسی نشده است. بنابراین، از نظریاتی که به‌طورکلی، به مهاجرت می‌پردازند، استفاده شده است. نظریه‌های مهاجرت در قالب چهار دیدگاه عمده: اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سیستمی قرار گرفته‌اند (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۲۸). در این پژوهش، تأکید بر نظریه‌هایی است که به عوامل اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند. به‌طورکلی، دیدگاه اقتصادی، مهاجرت را وسیله‌ای برای بهبود وضع کار و اشتغال می‌داند و بر شکاف دستمزدها و تفاوت‌های درآمدی در مبدأ و مقصد توجه دارد. این نظریات ابتدا در سطح کلان به این پدیده توجه داشتند، اما از دهه ۱۹۸۰ مدل‌های رفتاری در سطح خرد نیز مورد توجه قرار گرفت. این تبیین‌ها مبتنی بر این پیش‌فرض است که اگر مزایای مهاجرت بیش از هزینه‌های آن باشد، فرد تصمیم به مهاجرت می‌گیرد. پس از رویکردهای اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک، رویکرد دیگری نیز شکل گرفت که در آن، تصمیم به مهاجرت را نه به‌صورت فردی و مجزا از دیگران، بلکه در واحدهای بزرگتر، مانند خانواده، جستجو می‌کرد (تیلور^۲، ۲۰۰۳: ۶۴۲-۴۳). نظریه‌های متأخر در مطالعه مهاجرت، به زمینه و بستر اجتماعی توجه نموده‌اند. گستره‌ای از عوامل در بستر جامعه است. نه‌تنها ویژگی‌های فردی، بلکه ویژگی‌های خانواده، محله و بازار کار نیز مهم است. این عوامل بخشی از سرمایه اجتماعی هستند که فرد بر اساس آن‌ها در مورد سازوکار مهاجرت تصمیم می‌گیرد (وایت^۳ و لینسترم^۴، ۲۰۰۵: ۳۲۳-۲۴). دیدگاه اجتماعی به کشش‌ها و رانش‌های متنوع مبدأ و مقصد توجه می‌کند و مهاجرت را در جهت دوری جستن از شرایط و اوضاع نامناسب مبدأ و همچنین سکونت در نقاط خوش آب‌وهوا،

1. Cassarino
2. Taylor
3. White
4. Lindstrom

سالم و زندگی در بطن جامعه، قوم و فرهنگ خود می‌داند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۲۲). در ادامه به مهمترین نظریات مرتبط با مهاجرت پرداخته شده است.

راونشتاین در قوانین مهاجرتی خود (علاوه بر تأکید بر سایر عوامل) عوامل اقتصادی را مهمترین عامل برانگیزنده در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت‌ها می‌داند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۳۱).

لی، قوانین راونشتاین را بازنگری و چارچوب نظری جدیدی برای مهاجرت مطرح کرد. وی مهاجرت را ارادی نمی‌داند و به کشش‌ها و رانش‌های متنوع مبدأ و مقصد توجه می‌کند. این نظریه وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغالی و درآمدی را به‌عنوان جاذبه، و هزینه بالای زندگی و دوری از خانه و آلودگی محیط زیستی را به‌عنوان دافعه محسوب می‌کند، که شامل چهار عامل عمده می‌شود و بیشتر به عوامل شخصی تأکید دارد. این عوامل عبارتند از: عوامل موجود در مقصد، عوامل موجود در مبدأ، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد (موانع مداخله‌گر) و عوامل ویژه فردی مربوط به شخص مهاجر (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۲۲).

نظریه سرمایه انسانی لاری ساستاد بیان می‌کند که فرد در صورتی مهاجرت می‌کند که فایده آن از هزینه‌اش بیشتر باشد و این فایده و هزینه می‌تواند تمام ابعاد زندگی را در برگیرد به گونه‌ای که حتی هزینه و فایده‌های متصوره را هم شامل می‌شود. براین اساس، می‌توان ابعاد اجتماعی، اقتصادی و روحی روانی را نیز در آن لحاظ کرد. داشتن شغل، شرایط اجتماعی مطلوب، وضعیت روحی روانی مناسب، آرامش و تفریح و حتی پیوند و تعلق به آشنایان و خویشاوندان می‌تواند از علل مهاجرت واقع شود. فرد مهاجر به تدریج خود را با محیط جدید انطباق می‌دهد. همچنین در تجربه مهاجرت، با یک‌سری مسائل پیش‌بینی نشده روبرو می‌شود که در نهایت ارزیابی او را از مهاجرت تعدیل و تصحیح می‌کند و این امر در ماندگاری یا بازگشت مهاجر نقش برجسته‌ای دارد (زنجانی، ۱۳۸۰). براین اساس، مهاجرت بازگشتی برای برخوردارانی از رفاه بیشتر در روستا انجام می‌گیرد (ونگ، ۲۰۰۴: ۴).

مایکل تودارو بر این باور بود که فرد تصمیم برای مهاجرت یا صرفنظر کردن از آن را برمبنای هدف اقتصادی بیشتر شدن «درآمد ممکن» می‌گیرد و در مدل تودارو مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا درآمد واقعی (ایراندوست و

همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، فرد مهاجر در محاسبات خود در این فرایند، به ابعاد پیچیده این دو عامل، شامل: ارجحیت زمانی، نرخ تنزیل، هزینه مهاجرت، ارزش فعلی تنزیل شده درآمد مورد انتظار و احتمال اشتغال در بخش نوین اقتصادی، توجه داشته و با وجود بیکاری در شهرها، مهاجرت از روستا به شهر را در پی خواهد داشت (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۳۶).

در نظریه شبکه مهاجرتی، هزینه و فایده مهاجرت در قالب شبکه‌های مهاجرتی بررسی شده است (حاجی حسینی، ۱۳۸۵). رویکرد وجود شبکه ارتباط خصوصی، به سطح روابط خویشاوندی و خانوادگی و پیوندهای خصوصی در تبیین مهاجرت می‌پردازد و در سطح جامعه‌شناسی خرد است (ارشد و همکاران، ۱۳۸۴). در این دیدگاه، شبکه‌های مهاجرتی عبارت است از پیوندهای بین افراد که در مناطق مبدأ و مقصد از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و یا خاستگاه اجتماعی مشترک، مهاجران قبلی و غیرمهاجران را به هم مرتبط می‌سازد. چون درون شبکه‌های مهاجرتی، هزینه‌های خطرات ناشی از مهاجرت را کاهش، و منافع حاصل از آن را افزایش می‌دهد، حرکات مهاجرتی روبه‌افزایش می‌رود.

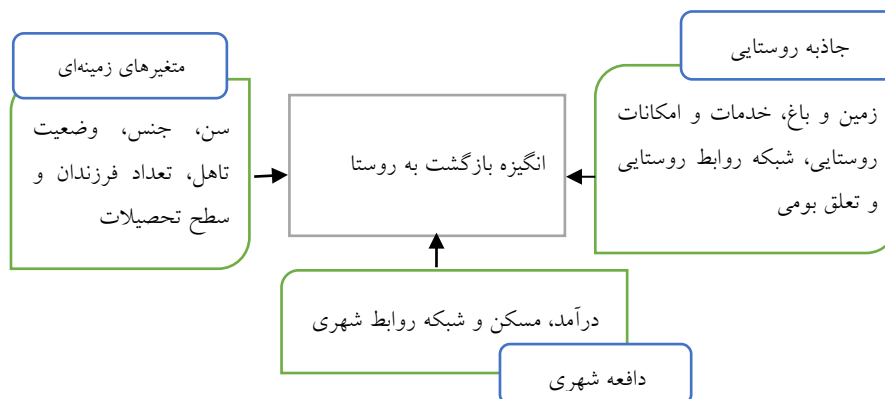
توجه و شناخت منابع در دسترس مهاجران، می‌تواند جریان مهاجرت را آسان یا دشوار کند. این منابع علاوه بر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، شامل سرمایه‌های اجتماعی (شبکه) هم می‌باشد و آنچه سرمایه اجتماعی را وارد نظریه اجتماعی نمود، پرداختن و تمرکز بر ساختارها، شبکه و روابط اجتماعی بود (فیلد، ۱۳۸۶). در قالب نظریه‌های سرمایه اجتماعی بوردیو، کلمن و پاتنام بر نقش سرمایه اجتماعی جهت دستیابی کنشگران به اهدافشان تأکید دارند. گرچه بوردیو مشخصاً به نقش سرمایه اجتماعی بر مهاجرت نپرداخته، اما به‌طور کلی، معتقد است روابط اجتماعی و هنجارها برای هر فرد در دستیابی به اهداف و پایداری آن‌ها مؤثر است و جایگاه عاملین در میدان و صحنه اجتماعی بسته به مقدار و میزان سرمایه‌های نسبی‌شان و از طریق استراتژی‌های خاصی که برای دستیابی به اهدافشان اتخاذ می‌کنند، مشخص می‌شود (ریپیل و همکاران، ۲۰۱۰). بر اساس نظر کلمن سرمایه اجتماعی نهفته بین کنشگران، عامل محرک مهاجرت است (کلمن^۱، ۱۹۸۸). در نهایت، از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به ویژگی‌های از سازمان اجتماعی از جمله اعتماد، هنجارها و شبکه اشاره دارد که قادرند کارایی جامعه را با تسهیل

1. Coleman

کنش‌های تعاونی بهبود بخشند (گلدربلوم^۱، ۲۰۱۸).

طبق نظریات سرمایه اجتماعی، شبکه‌ها، اعتماد و هنجار، در ایجاد انگیزه بازگشت اثرگذارند. متغیر شبکه روابط در شهر و در روستا از نظریه‌های سرمایه اجتماعی اخذ شده است. متغیرهای شبکه روابط، تعلق بومی، مسکن، درآمد و زمین و باغ از نظریه راونشتاین، متغیرهای خدمات و امکانات، درآمد، مسکن و زمین و باغ از نظریه لی، متغیرهای تعلق بومی، شبکه روابط، وضع مسکن و خدمات و امکانات از نظریه ساستاد، متغیرهای شبکه روابط و ویژگی‌های فردی از نظریه شبکه، و درآمد از نظریه تودارو استخراج شده‌اند. نمودار ۱ مدل نظری تحقیق که شامل متغیرهای مذکور است را نشان می‌دهد.

نمودار ۱: مدل نظری تحقیق



پیشینه تحقیق

مروور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تحقیقات زیادی در خارج از کشور در زمینه مهاجرت معکوس انجام گرفته اما در مطالعات داخلی، به صورت محدود و اکثراً در حوزه جغرافیا انجام گرفته است. به طور کلی، مطالعات در مورد مهاجرت معکوس به شرح زیر می‌باشد.

مطالعه قاسمی اردهایی و همکارانش (۱۳۹۷) نشان داده که تفاوت عمده‌ای در ویژگی‌های جمعیتی-اقتصادی بین مهاجران شهر به روستا و کلان‌شهری وجود دارد و مؤثرترین آن تفاوت در شغل مهاجران است. به طور کلی، مهاجران وارد شده به مناطق روستایی از لحاظ ویژگی‌های

1. Gelderblom

جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی دارای کیفیت و پتانسیل پایین‌تری نسبت به مهاجران کلان‌شهری هستند. دسته‌ای از تحقیقات پیشین به‌طور مشخص به عوامل اقتصادی (اشتغال، وضع فعالیت، سرمایه‌گذاری مسکن، کار و فعالیت) مرتبط به مهاجرت معکوس پرداخته‌اند (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۶؛ اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵؛ نوبخت و همکاران، ۱۳۹۸؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۱؛ طاهری، ۱۳۹۰ و سرور، ۱۳۸۸) و برخی نیز به‌طور مشخص به عوامل اجتماعی همچون شرایط نامساعد شهری و توسعه روستایی (علی بابایی و جمعه‌پور، ۱۳۹۵) و سرمایه اجتماعی (محمودیان و مقدس، ۱۳۹۴) توجه داشته‌اند، اگرچه مطیعی لنگرودی و همکارانش، (۱۳۹۰) علاوه بر سرمایه اجتماعی به سرمایه‌های انسانی، مالی، فیزیکی و طبیعی نیز تأکید کرده‌اند.

تحقیقات پیشین با اینکه بر یکی از عوامل اجتماعی (تعلق بومی، تحصیلات و...) یا اقتصادی (درآمد، بیکاری، نوع شغل، نوع مسکن و...) بیشتر تأکید داشته‌اند، ولی به عوامل روانشناختی و عمرانی (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵؛ دینانی و همکاران، ۱۳۸۷ و آنامرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۰)، عوامل طبیعی (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰ و قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳)، اداری و سازمانی (مشفق و تراکمه، ۱۳۹۱) و همچنین اداری و رفاهی (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱) و یا ترکیبی از این عوامل (یعقوبی و زبیدی، ۱۳۹۷) نیز پرداخته‌اند.

در تحقیقات خارج از ایران مطالعه مقایسه‌ای (ویتنام-بین‌المللی) ترن^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) نشان داده که تأثیر کیفیت نهادی محلی بر محل‌های اقامت مهاجران معکوس، به سن آن‌ها و تجربه مهاجرت آن‌ها بستگی دارد. آگوستو^۲ و همکارانش (۲۰۱۷) در برزیل در سطح مفهومی به پیچیدگی‌های مطالعات مهاجرت پرداخته‌اند. رارت^۳ (۲۰۱۴) در سوئیس بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی فارغ‌التحصیلان در بازگشت، ریچارت^۴ (۲۰۱۳) در آمریکا بر اثر مهاجرت معکوس بر اقتصاد جمعیت و جامعه، فرل^۵ و همکارانش (۲۰۱۲) در آمریکا و ما^۶ (۲۰۰۲) در چین بر اثر مهاجرت معکوس بر اشکال مختلف سرمایه، و درنهایت ادوال^۷ (۲۰۰۵) در نیجریه بر عوامل اجتماعی و اقتصادی (شغل و کار و مدت اقامت) بعد از بازگشت تأکید دارند.

1. Tran
2. Augusto
3. Rérat
4. Von Reichert
5. Farrell
6. Ma
7. Adewale

در سطح بین‌المللی استارک^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای تحلیلی-تجربی ۱۲ دلیل مشترک مهاجرت معکوس را تشخیص داده است. گرما^۲ (۲۰۱۷) تأثیر جنسیت بر مهاجرت و کولیر^۳ و همکارانش (۲۰۱۱) مدت اقامت بر میزان سرمایه هنگام بازگشت را مؤثر می‌دانند.

روش تحقیق و داده‌ها

روش مورد استفاده در این پژوهش آمیخته است، اما غلبه بر روش کمی است. ابتدا با هدف اکتشافی و شناخت تبیین‌کننده‌های اصلی، از روش کیفی (نظریه زمینه‌ای) استفاده شد. در این حالت داده‌های کیفی فقط زمینه‌ای برای شناسایی متغیرها، طبقه‌بندی‌ها و ابزاری برای مطالعه کمی می‌باشد (کرسول و کلارک، ۱۳۹۰). شرکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش، ۱۴ نفر از ساکنان سه محله هدف در این مطالعه بودند. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و پاسخ‌ها به شیوه کدگذاری باز^۴ تحلیل شد و در نهایت مقولات استخراج گردید. حضور طولانی مدت و مشاهده مداوم در میدان، همچنین جریان رفت و برگشتی میان داده‌های استنباطی و میدان، مؤید اعتمادپذیری و اطمینان از عدم اشتباه است که این دو عامل پایایی داده‌های کیفی را بازگو می‌کنند. پس از اتمام بخش کیفی مطالعه، به کمک روش پیمایش و با تکنیک پرسش‌نامه، داده‌ها گردآوری شده و پس از آن به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

این پژوهش در سه محله بهارستان بالا، بهارستان پایین و تازه‌آباد در شهر سقز انجام شده است و جامعه آماری پژوهش تمام ساکنین مناطق مذکور در سنین ۶۵-۲۰ سال است. این مناطق در حاشیه شهر سقز قرار دارند و ساکنین آن مهاجرین روستایی هستند. طبق گزارش مرکز بهداشت، این محله‌ها دارای ۲۶۵۱۱ نفر جمعیت می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۷۹ نفر تعیین گردید و از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید. روایی با استفاده از نظرات متخصصین مرتبط تأیید شده و از آلفای کرونباخ جهت پایایی استفاده شده است.

مطالعه مهاجران بازگشتی مطابق با موضوع پژوهش منوط به شناخت، ارزیابی و بررسی متغیرهای جمعیتی (سن، جنس، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و سطح تحصیلات)، ویژگی‌های

1. STARK
2. Girma
3. Collier
4. Open Coding

روستا (زمین و باغ، خدمات و امکانات، شبکه روابط روستایی و تعلق بومی) و ویژگی‌های شهر (درآمد، مسکن و شبکه روابط شهری) می‌باشد. در ادامه، به تعریف هریک از متغیرهای مذکور می‌پردازیم.

انگیزه مهاجرت بازگشتی به صورت میزان آمادگی برای عمل (بعد رفتاری) و میزان تمایل و آمادگی فرد جهت بازگشت به مبدأ، یعنی تمایل به بازگشت به روستای مبدأ تعریف شده است. برای سنجش آن از هشت گویه استفاده شده است.

جدول ۱: گویه‌های سنجش متغیر وابسته

نحوه ساخت گویه	گویه
محقق ساخته	احساس خوبی به زندگی روستایی دارم.
محقق ساخته	علاقه زیادی به زندگی در شهر دارم.
محقق ساخته	می‌خواهم به روستای خود برگردم و در آنجا زندگی کنم.
تحقیقات پیشین	بازگشت به روستا و ماندن پیش اقوام و خویشاوندان را به اینجا ترجیح می‌دهم.
محقق ساخته	به فکر بازگشت به روستای خودم نیستم.
تحقیقات پیشین	به‌طورکلی، با تمام منافع و مشکلات شهر و روستا، زندگی در روستا را ترجیح می‌دهم.
تحقیقات پیشین	از وام‌های مسکن برای مهاجرت به روستا آگاهی دارم.

تعلق بومی عبارت است از وابستگی، دلبستگی، ارتباط و علاقه به مکان، محیط و زادگاه خود برای سنجش این مفهوم از پنج سؤال استفاده شد.

منظور از شبکه، پیوند مناطق مبدأ و مقصد از طریق روابط خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، هم‌ولایتی، همسایگی و بسیاری از روابط دیگر است که هریک از این پیوندها و روابط نمایان‌گر نوع خاصی از شبکه‌های اجتماعی است (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۳). برای سنجش شبکه روستایی و شهری ۱۳ سؤال در پرسشنامه آورده شد.

منظور از خدمات و امکانات، خدمات ارائه شده در روستا شامل برق، گاز، آب، مدارس، امکانات بهداشتی و درمانی، تلفن، اینترنت، حمل‌ونقل و دسترسی به شهر است. برای عملیاتی کردن این مفهوم از هشت سؤال استفاده گردید.

متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، جنسیت، تحصیلات و وضعیت تأهل است.

یافته‌ها

در بخش کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه در قالب ۱۲۰ مفهوم گردآوری و در چندین مقوله، دسته‌بندی شدند. مقوله‌های ادغام نامناسب در بازار کار برای زنان و مردان در شهر، فشارهای اقتصادی زندگی شهری، انتظارات گمانشافتی در شرایط گزلفشافتی، احساس بیگانگی در شهر، ناسازگاری هنجاری-ارزشی در شهر بیانگر دافعه‌های شهری، و مقولات تعلق بومی و مزیت‌های متصوره از روستا نیز بیان‌گر جاذبه‌های روستا هستند.

یافته‌های توصیفی در بخش کمی نشان داد که ۵۷/۱ درصد نمونه را مردان و ۴۲/۹ درصد زنان هستند و میانگین سن پاسخگویان ۳۳/۵۷ سال بود. ۸۵/۱ درصد پاسخگویان متأهل و ۱۴/۹ درصد مجرد بودند و از لحاظ تعداد فرزندان، ۲۹ درصد بدون فرزند، ۱۳/۶ درصد دارای یک فرزند، ۲۱/۲ درصد دارای دو فرزند، ۸/۸ درصد دارای سه فرزند و ۲۷/۳ درصد دارای چهار فرزند و بیشتر هستند. میانگین تعداد فرزندان افراد نمونه ۲/۰۵ است. سطح تحصیلات ۲۹/۸ درصد پاسخگویان ابتدایی، ۲۸/۵ درصد دیپلم، لیسانس و سیکل هر کدام ۱۳/۱ درصد، ۵/۳ درصد فوق دیپلم، بی‌سواد ۸/۱ درصد و ۲ درصد آن‌ها دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. نتایج توصیفی متغیر وابسته، یعنی انگیزه مهاجرت بازگشتی، نشان داد که میانگین آن ۲/۷۷ است و انگیزه مهاجرت بازگشت در بازه ۱ و ۵ پایین‌تر از حد وسط قرار دارد.

بررسی وضعیت نمونه براساس جاذبه‌های روستایی نشان می‌دهد که ۷۲ درصد آن‌ها در روستا زمین و باغ ندارند و ۲۵/۵ درصد زمین و باغ اندک و ۲/۵ درصد آن‌ها به اندازه کافی زمین و باغ در روستا دارند. میانگین هرکدام از متغیرهای خدمات و امکانات، شبکه روابط روستایی و تعلق بومی به ترتیب ۲، ۲/۴۶ و ۲/۰۱ می‌باشد. به این ترتیب، میزان خدمات و امکانات، شبکه تعاملی و تعلق بومی بیشتر از حد وسط است، چراکه دامنه طیف بین ۱ و ۵ قرار دارد و ۱ بیانگر بیشترین و ۵ بیانگر کمترین مقدار است.

بررسی وضعیت بر اساس دافعه‌های شهری (درآمد، مسکن و شبکه روابط شهری) نشان می‌دهد که ۱۱/۱ درصد پاسخگویان یک میلیون تومان و کمتر درآمد دارند؛ درآمد ۳۲/۸ درصد آنها یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان است؛ درآمد ۴۴/۷ درصد بین یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان است و ۱۱/۴ درصد نیز دو میلیون تومان و بیشتر درآمد دارند. وضعیت مسکن پاسخگویان حاکی از آن است که ۷۵/۸ درصد پاسخگویان مسکن ملکی دارند و ۴/۵

درصد مستأجرند؛ همچنین ۱۹/۷ درصد مسکن ندارند، یعنی در مسکن پدر و پدر همسرشان ساکن هستند. میانگین نمره شبکه روابط شهری ۳/۲۴ می‌باشد که کمتر از حد وسط است؛ چرا که دامنه طیف بین ۱ و ۵ قرار دارد.

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر اساس جاذبه‌های روستایی و دافعه‌های شهری

متغیر	طبقه	جمع کل
زمین و باغ	ندارد	۱۰۰/۰
درصد	ندکی دارد	۲/۵
فراوانی	به اندازه کافی دارد	۳۹۶
مسکن	ملکی	۱۰۰/۰
درصد	اجاره‌ای	۱۹/۷
فراوانی	ندارد	۳۹۶
پانصد هزار تا یک میلیون	یک میلیون تا یک و دو میلیون	
درآمد	یک میلیون و پانصد هزار	پانصد تا دو تومن و بیشتر
درصد	تومان	میلیون تومان
فراوانی	تومان	میلیون تومان
درصد	۱۱/۱	۴۴/۷
فراوانی	۴۴	۷۷
خدمات و امکانات	شبکه روابط	تعلق بومی
میانگین	روستایی	شهری
	۲/۴۶	۲/۰۱
	۲/۰	۳/۲۴
	۵/۰	۱/۰

جهت آزمون فرضیه‌ها، متناسب با سطح سنجش متغیرها، از آزمون‌های آماری مرتبط استفاده گردید. نتایج آزمون‌ها در جدول ۳ آورده شده است. نتیجه آزمون فرضیه مربوط به جنسیت و انگیزه مهاجرت بازگشت، نشان داد که میانگین انگیزه مهاجرت بازگشتی زنان به‌طور معنی‌داری بیشتر از مردان است. همچنین نتیجه آزمون فرضیه بین وضعیت تأهل و انگیزه بازگشت نشان داد که انگیزه بازگشت پاسخگویان مجرد بیشتر از متأهل‌ها است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیات متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

وابسته	مستقل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار میانگین	مقدار t	سطح معنی داری
انگیزه بازگشت	جنسیت	زن	۳۶/۱۱	۵/۱۷۰	۰/۳۹۷	۷/۸۶۹	۰/۰۰۰
	مرد	۲۲۶	۳۰/۵۷	۸/۷۴۹	۰/۵۸۲		
وضعیت تأهل	مجرد	۵۹	۳۶/۱۲	۶/۸۰۸	۰/۸۸۶	۳/۷۷۳	۰/۰۰۰
	متأهل	۳۳۶	۳۲/۳۹	۷/۹۶۸	۰/۴۳۴		

در جدول ۴ نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که متغیرهای سن و تعداد فرزندان با انگیزه بازگشت همبستگی ندارند. رابطه بین متغیرهای سطح تحصیلات، شبکه شهری، شبکه روابط روستایی، تعلق بومی و خدمات و امکانات روستا معنی دار شناخته شد. جهت رابطه سطح تحصیلات و انگیزه بازگشت غیرمستقیم است، اما ضریب همبستگی متغیرهای شبکه روابط شهری (۰/۳۱۶^{**})، شبکه روابط روستایی (۰/۵۳۰^{**})، تعلق بومی (۰/۶۲۵^{**}) و خدمات و امکانات روستا (۰/۴۱۹^{**}) مستقیم است.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیات متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰/۰۲۵	۰/۶۲۵	شبکه روابط روستایی	۰/۵۳۰ ^{**}	۰/۰۰۰
تعداد فرزندان	-۰/۰۶۹	۰/۱۷۳	تعلق بومی	۰/۶۲۵ ^{**}	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۲۹۴ ^{**}	۰/۰۰۰	خدمات و امکانات	۰/۴۱۹ ^{**}	۰/۰۰۰
شبکه روابط شهری	۰/۳۱۶ ^{**}	۰/۰۰۰			

جهت آزمون متغیرهای وضعیت زمین و باغ در روستا، وضعیت مسکن در شهر و درآمد از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج در جدول ۵ ذکر شده است. براین اساس، میانگین انگیزه مهاجرت بازگشتی بر اساس وضعیت زمین کشاورزی و باغ در روستا متفاوت است و نتایج آزمون بونفرونی نشان می دهد که آن دسته از پاسخگویان که زمین و باغ اندکی در روستا دارند با میانگین ۳۳/۷۹ دارای بیشترین انگیزه مهاجرت هستند و بعد از آن هم گروهی که زمین و باغ ندارند، با میانگین ۳۲/۹۳، دارای انگیزه بیشتر نسبت به گروهی که به اندازه کافی زمین و باغ در روستا دارند هستند.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیات متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرها	بونفرونی		میانگین	مقدار f	sig	
	طبقات مستقل	سطح معنی داری				
وضعیت زمین و باغ	زمین و باغ	زمین و باغ اندک	۱/۰۰۰	۵/۸۹۳	۰/۰۰۳	
	ندارد	زمین و باغ کافی دارد	۰/۰۰۵			
	زمین و باغ	زمین و باغ ندارد	۱/۰۰۰			
	اندکی دارد	زمین و باغ کافی دارد	۰/۰۰۲			
	زمین و باغ	زمین و باغ ندارد	۰/۰۰۵			
	کافی دارد	زمین و باغ اندک دارد	۰/۰۰۲			
وضعیت مسکن در شهر	ملکی	اجاره‌ای	۱/۰۰۰	۱۷/۵۹۵	۰/۰۰۰	
	سایر	سایر	۰/۳۰۵			
	ملکی	ملکی	۱/۰۰۰			
	اجاره‌ای	سایر	۰/۰۰۰			
	سایر/ ندارد	ملکی	۰/۳۰۵			
	سایر/ ندارد	اجاره‌ای	۰/۰۰۰			
درآمد	پانصد تا یک میلیون تومان	یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان	۰/۹۰	۲۷/۳۰۰	۰/۰۰۰	
		یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان	۰/۰۰۲			
		بالاتر از دو میلیون	۱/۰۰			
		پانصد تا یک میلیون تومان	۰/۹۰			
	یک میلیون و پانصد هزار تومان	یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان	۰/۰۰۰			۲۸/۸۳
		بالاتر از دو میلیون تومان	۰/۱۶			
		پانصد تا یک میلیون تومان	۰/۰۰۲			
		یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان	۰/۰۰۰			
	بالاتر از دو میلیون تومان	پانصد تا یک میلیون تومان	۰/۱۳			۳۶/۳۲
		پانصد تا یک میلیون تومان	۱/۰۰			
		یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان	۰/۱۶			
		یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان	۰/۱۳			
بالاتر از دو میلیون تومان	پانصد هزار تومان	۳۲/۶۰	۳۲/۶۰			
	یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان	۰/۱۳				

بر اساس وضعیت مسکن نیز میزان انگیزه بازگشت متفاوت است و پاسخگویانی که وضعیت مسکن در شهر را سایر اعلام کرده‌اند دارای میانگین متفاوتی نسبت به پاسخگویانی که مسکن ملکی و اجاره‌ای دارند، هستند (به ترتیب، میانگین ۳۷/۴۹ در مقابل ۳۱/۹۱ و ۳۰/۵۶) و این تفاوت میانگین از لحاظ آماری معنی‌دار است. لازم به ذکر است افرادی که وضعیت مسکن خود را سایر نوشته‌اند در مسکن پدر خود یا پدر همسرشان ساکن بوده‌اند و اجاره بهایی پرداخت نمی‌کنند.

میانگین انگیزه بازگشت بر اساس درآمد خانواده نیز متفاوت است و انگیزه بازگشت گروه درآمدی «یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان» با میانگین ۳۶/۳۲، به‌طور معناداری بالاتر از دیگر گروه‌ها است. و به ترتیب گروه «بالاتر از دو میلیون تومان» با میانگین ۳۲/۶۰ از گروه «یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان» با میانگین ۳۱/۹۱ دارد و این تفاوت میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جهت مطالعه همزمان متغیرهای مستقل از رگرسیون به روش همزمان^۱ استفاده شده است که شامل سه مدل است. در مدل اول متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و تعداد فرزندان وارد شده‌اند. در مدل دوم متغیرهایی که مربوط به جایگاه و موقعیت فرد در روستای مبدأ است و جاذبه‌های روستا را می‌سنجند، وارد مدل شده‌اند. این متغیرها شامل شبکه روابط روستایی، خدمات و امکانات، تعلق بومی و زمین و باغ است. در نهایت، متغیرهایی که جایگاه و موقعیت فرد در شهر را نشان می‌دهد به مدل‌های قبلی اضافه شد که شامل شبکه روابط شهری، وضعیت مسکن در شهر و سطح درآمد می‌باشد. لازم به ذکر است که برخی متغیرهای مستقل، در سطح سنجش فاصله‌ای و نسبی نیستند و به‌همین دلیل به‌صورت متغیرهای تصنعی (ساختگی) وارد مدل شده‌اند. در مدل اول متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل، در مدل دوم وضعیت زمین و باغ در روستا ۱ (کسانی که ندارند نسبت به کسانی که کمی و به اندازه کافی دارند) و وضعیت زمین و باغ در روستا ۲ (کسانی که کمی دارند نسبت به کسانی که ندارند و به اندازه کافی دارند) و در مدل سوم وضعیت مسکن ۱ (کسانی که مسکن ندارند نسبت به ملکی و اجاره‌ای)، وضعیت مسکن ۲ (کسانی که مسکن ملکی دارند نسبت به اجاره‌ای‌ها و فاقد مسکن‌ها) و درآمد ۱ (تا یک میلیون و پانصد هزار تومان نسبت به یک میلیون

1 enter

و پانصد تا دو میلیون تومان و بالاتر از دو میلیون تومان) و ۲ (بالاتر از دو میلیون تومان نسبت به یک میلیون و پانصد و یک و پانصد تا دو میلیون تومان) به صورت تصنعی وارد مدل شده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تمامی مدل‌ها معنی‌دارند، مدل اول ۲۸ درصد، مدل دوم ۵۸ درصد و مدل سوم ۶۶ درصد از متغیر وابسته یعنی انگیزه بازگشت را تبیین کردند. بدین ترتیب، ۲۸ درصد از تغییرات انگیزه بازگشت به روستا مربوط به متغیرهای زمینه‌ای است. با ورود متغیرهای جاذبه روستا، ۳۰ درصد به درصد تبیین افزوده می‌شود و با اضافه شدن متغیرهای مربوط به دافعه‌های شهر، تنها ۸ درصد به درصد تبیین اضافه می‌شود. به دلیل گستردگی متغیرها، در جدول ۶ صرفاً ضرایب رگرسیون مدل سوم نشان داده شده است. متغیرهای وضعیت تأهل، تحصیلات، زمین و باغ ۱ و ۲ و وضعیت مسکن ۲ تأثیر معنی‌داری بر انگیزه بازگشت به روستا ندارند، اما سایر متغیرها به ترتیب اثرگذاری بر انگیزه بازگشت عبارتند از: شبکه روابط روستایی (۰/۲۶۶)، تعلق بومی (۰/۲۵۴)، تعداد فرزندان (۰/۲۴۴-)، جنسیت (۰/۲۲۱)، مسکن ۱ (۰/۲۰۵-)، سن (۰/۱۸۴)، خدمات و امکانات در روستا (۰/۱۶۶)، درآمد ۲ (۰/۱۵۹)، شبکه روابط شهری (۰/۱۰) و درآمد ۱ (۰/۰۹۸-)، بر انگیزه بازگشت تأثیرگذار بودند. در این میان متغیرهای شبکه روابط روستایی، تعلق بومی، جنسیت، سن، خدمات و امکانات روستا، درآمد ۲، شبکه روابط شهری و وضعیت تأهل تأثیر مستقیم را نشان می‌دهند. نتایج در جدول ۶ ذکر شده است.

جدول ۶: نتایج ضرایب رگرسیونی مدل نهایی و ضرایب تعیین مدل‌های رگرسیون چندگانه

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای استاندارد	بتا	ضریب t معنی‌داری
سن	۰/۲۰۱	۰/۰۶۳	۰/۱۸۴	۳/۱۸۲
تعداد فرزندان	-۱/۰۷۵	۰/۲۴۲	-۰/۲۴۴	-۴/۴۵۲
تحصیلات	-۰/۱۲۸	۰/۰۶۹	-۰/۰۷۹	-۱/۸۷۱
جنسیت	۳/۵۳۳	۰/۶۶۶	۰/۲۲۱	۵/۳۰۳
وضعیت تأهل	۱/۵۳۵	۰/۹۹۰	۰/۰۶۹	۱/۵۵۱
تعلق بومی	۰/۷۳۵	۰/۱۱۸	۰/۲۵۴	۶/۲۴۰
خدمات و امکانات	۰/۴۶۶	۰/۰۹۹	۰/۱۶۶	۴/۷۱۹
زمین و باغ ۱	-۰/۸۹۰	۱/۹۱۹	-۰/۰۵۱	-۰/۴۶۴

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای استاندارد	بتا	ضریب t
زمین و باغ ۲	-۲/۶۸۲	۱/۸۲۸	۰/۱۴۸	-۱/۴۶۷
شبکه روابط روستایی	۰/۴۳۳	۰/۰۷۰	۰/۲۶۶	۶/۱۹۵
وضعیت مسکن ۱	-۴/۰۶۵	۱/۳۶۴	-۰/۲۰۵	-۲/۹۷۹
وضعیت مسکن ۲	۰/۱۶۵	۱/۲۹۲	۰/۰۰۹	۰/۱۲۸
درآمد ۱	-۲/۴۳۲	۰/۸۵۳	-۰/۰۹۸	-۲/۸۵۲
درآمد ۲	۲/۵۳۸	۰/۵۷۴	۰/۱۵۹	۴/۴۲۶
شبکه روابط شهری	۰/۳۸۳	۰/۱۳۵	۰/۱۰۱	۲/۸۴۴
	f	sig	ضریب تعیین	
مدل ۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی	۳۱/۴۸۸	۰/۰۰۰	۰/۲۸۸	
مدل ۲. جاذبه‌های روستا	۵۴/۹۳۷	۰/۰۰۰	۰/۵۸۸	
مدل ۳. دافعه‌های شهر	۴۹/۵۵۳	۰/۰۰۰	۰/۶۶۲	

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف سیاست‌های مهاجرتی، معکوس‌سازی روند مهاجرت و همچنین کاهش نابرابری بین جامعه شهری و روستایی است. با این که مهاجرت به‌طور عام و انگیزه مهاجرت بازگشتی به‌طور خاص، فرایندی تک‌بعدی نیست، اما از مهمترین عوامل تعیین‌کننده تداوم مهاجرت، جاذبه و دافعه‌های شهر و روستا است. مهاجرت بازگشتی به‌عنوان فرایندی نوظهور در چند دهه اخیر در ایران با شدت و گسترش بیشتری تداوم دارد. استان کردستان رتبه چهار مهاجرت معکوس را دارد و به‌همین‌منظور مطالعه حاضر انگیزه‌های مرتبط با مهاجرت بازگشتی در سه محله شهر سقز را مورد بررسی قرار داد. تأکید این مطالعه بر آن بود که نشان دهد، مهاجرین روستایی ساکن در شهر، به‌دنبال عدم جذب و ادغام در شهر-دافعه‌های شهر-گزینه بازگشت را انتخاب می‌کنند و یا جاذبه‌های روستایی علت عمده بازگشت آنان است.

یافته‌های کیفی پژوهش، مواردی همچون ادغام نامناسب در بازار کار برای زنان و مردان در شهر، فشارهای اقتصادی زندگی شهری، انتظارات گمانشافتی در شرایط گزلفشافتی، احساس بیگانگی در شهر، ناسازگاری هنجاری-ارزشی در شهر را به‌عنوان دافعه‌های شهری و مقولات تعلق بومی و مزیت‌های متصوره از روستا را نیز به‌عنوان جاذبه‌های روستایی نشان داد. یافته‌های

استنباطی در بخش کمی نشان داد که در میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، جنسیت، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات متغیرهای تأثیرگذار بودند، بدین صورت که زنان بیش از مردان، مجردین بیش از متأهلین و سطوح پایین‌تر تحصیلات بیش از سطوح بالاتر، تمایل به بازگشت دارند. تمام متغیرهایی که در قالب جاذبه‌های روستایی تعریف شدند، شامل شبکه روابط روستایی، خدمات و امکانات روستا، تعلق بومی و زمین و باغ در روستا، بر انگیزه بازگشت، تأثیرگذار بودند. از سوی دیگر، متغیرهای دافعه‌های شهری، شامل شبکه روابط شهری، وضعیت مسکن و درآمد، نیز بر انگیزه بازگشت مؤثر بودند. نکته‌ای که در مورد دافعه‌های شهری باید اشاره کرد، آن است که شبکه‌ها و پیوندهای شهری، بیش از آنکه به ماندن در شهر کمک کنند، مشوق بازگشت به روستا هستند. شاید بتوان گفت شبکه‌های شکل‌گرفته در شهر، حول همان مهاجرینی است که در شهر ساکن شده‌اند و روستائیان مهاجر نتوانسته‌اند به حوزه تعاملات و پیوندهای بومیان (اهالی شهر) وارد شوند. به عبارت دیگر، مهاجرین در شهر چندان ادغام نشده‌اند.

طبق نتایج رگرسیون، مشخص شد که انگیزه بازگشت به روستا بیشتر بازتابی از جاذبه‌های روستایی است تا دافعه‌های شهری و ویژگی‌های جمعیتی. شبکه پیوندهای فرد با روستا و تعلق وی به روستا بیشترین ضرایب رگرسیون استاندارد را دارند و نشان می‌دهد که در مقایسه با دیگر متغیرها و با کنترل آن‌ها، بیشترین رابطه را با انگیزه بازگشت به روستا دارند. به طور کلی، می‌توان گفت علل انگیزه مهاجرت بازگشتی به ترتیب عبارتند از کشش‌های روستایی، ویژگی‌های فردی، و رانش‌های شهری.

یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش‌های قاسمی اردهایی و همکارانش (۱۳۹۷) مبنی بر عدم رابطه سن و رابطه سطح تحصیلات و جنسیت در قالب ویژگی‌های جمعیتی مهاجران، اجزاء شکوهی و همکارانش (۱۳۹۶) در مورد مسکن و درآمد، نوبخت و همکارانش (۱۳۹۸) با مقوله‌های انگیزه بازگشت و شرایط نامطلوب شهری، علی‌بابایی و جمع‌پور (۱۳۹۵) در مورد توسعه روستایی یا به عبارتی خدمات و امکانات و مقوله‌های شرایط نامطلوب شهری و درآمد، محمودیان و مقدس (۱۳۹۴) راجع به سرمایه اجتماعی (شبکه روابط)، مطیعی و همکارانش (۱۳۹۰) مرتبط با سرمایه اجتماعی و مالی با مقوله‌های موانع بازگشت به روستا (افزایش جمعیت)، عامل مهاجرت به شهر و انگیزه بازگشت به روستا، غفاری و همکارانش (۱۳۹۱) و یعقوبی و زبیدی (۱۳۹۷) راجع به خدمات و امکانات با مقوله‌های انگیزه بازگشت، موانع بازگشت، همچنین با

پژوهش‌های رارت (۲۰۱۴) مرتبط با سطح تحصیلات، استارک (۲۰۱۸) در مورد درآمد، ادوال (۲۰۰۵) راجع به درآمد و شغل و گرما (۲۰۱۷) مرتبط با جنسیت مطابقت دارد. هر کدام از نظریه‌پردازان نیز به نحوی به این امر توجه داشته‌اند و یافته‌های پژوهش با نظریات نظریه‌پردازان مطابقت دارد. چنانچه راونشتاین علاوه بر اعتقاد بر تاب و بازتاب‌های مهاجرتی جاذبه و دافعه‌های مبدأ و مقصد را عامل تعیین‌کننده مهاجرت می‌دانست و لی هم شبیه به راونشتاین علاوه بر کشش و رانش‌ها، بر عوامل شخصی تأکید داشت.

بر اساس نظریه سرمایه انسانی ساستاد، مهاجرت بازگشتی جهت رفاه بیشتر انجام می‌گیرد و اگر فایده‌ها بیش از هزینه‌ها باشد، مهاجرت صورت می‌گیرد. همچنین یافته‌های پژوهش، نظریه تودارو مبنی بر اینکه مهاجرت پاسخی به تفاوت‌های درآمدی است را تأیید می‌کند.

چنان‌که مشخص شد تماس‌ها و پیوندها با مردم روستا و خویشاوندان، مهمترین محرک در ایجاد انگیزه مهاجرت بازگشتی بود و در تحلیل رگرسیون، بیشترین اثرگذاری را داشت. این یافته مؤید نظریاتی است که بر سرمایه اجتماعی و شبکه اجتماعی تأکید دارند. سرمایه اجتماعی حاصل از پیوندها و شبکه‌های اجتماعی، باعث افزایش مزایای بازگشت به روستا می‌شود و نقش مهمی در انگیزه بازگشت دارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت مهاجران روستایی که در حاشیه شهر ساکن شده‌اند، خود را شهروند تعریف نمی‌کنند و به دلیل عدم ادغام در شرایط جدید، انگیزه بازگشت به روستا در آن‌ها شکل می‌گیرد. مهمترین عامل اثرگذار بر این انگیزه، وجود شبکه روابط با دوستان و خویشاوندان آن‌ها در روستا است.

باتوجه به یافته‌های این مطالعه، پژوهش و اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

- (۱) بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری مردم در روستاها از جمله بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری روستاییان، وضعیت زیست محیطی، وضعیت خدمات و امکانات آموزشی، حمل و نقل، بهداشتی روستا و نقش آن بر مهاجرت. (۲) مطالعه‌ای در زمینه امکانات و جاذبه‌های شهر سقز که عامل جذب مهاجران است. (۳) توجه بیشتر سیاست‌گذاران به ارائه، تصویب و اجرای طرح‌های خدماتی و مشوق‌ها برای مناطق روستایی. (۴) کمک به احیای اعتماد اجتماعی (از طریق طرح‌های مشارکتی و تعاونی با همکاری جهاد کشاورزی و منابع طبیعی) و استفاده از آن جهت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی روستاها. (۵) شناخت ظرفیت و پتانسیل‌های هر روستا از طریق دهیاران و مرتبط ساختن تسهیلات و ارائه آموزش‌های مرتبط از طریق سازمان فنی‌وحرفه‌ای (به‌ویژه برای زنان). (۶) بهبود مسیرهای حمل و نقل عمومی و نظارت بر آن خصوصاً در فصل‌های سرد.

منابع

- اجزاء شکوهی، محمد، حمیدرضا وارثی، محمد قنبری و رضا صمدی (۱۳۹۶). تأثیر ادغام روستاها و مهاجرت معکوس در توسعه شهر جدید بینالود، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، سال ۱۵، شماره ۲۸، صص ۵۰-۲۵.
- ارشاد، فرهنگ و عزیز جزبای (۱۳۸۴). بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۰۷.
- اصلانی، مجتبی (۱۳۸۵). بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی (با تأکید بر مهاجرت داخلی به تهران)، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۵۵، صص ۸۲-۴۵.
- افراخته، حسن، رضا منافی آذر و محمد ولایتی (۱۳۹۵). اثرات مکانی- فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، سال ۵، شماره ۱، صص ۹۸-۸۳.
- ایراندوست، کیومرث، محمد حسین بوچانی و روح‌الله تولایی (۱۳۹۳). تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره ۶، صص ۱۱۸-۱۰۵.
- آنامرادزاد، رحیم بردی، مصطفی قدمی و عیسی جوکار سرهنگی (۱۳۹۰). مهاجرت معکوس پدیده‌ای مثبت در فضای جمعیتی ایران، *یازدهمین کنگره جغرافی دانان ایران*.
- حاجی حسینی، حسین (۱۳۸۵). سیری در نظریه‌های مهاجرت، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۱، صص ۴۶-۳۵.
- دیانی، لیلیا، مهدی طاهرخانی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۷). زمینه‌یابی اسکان مجدد مهاجران روستایی: مطالعه موردی مهاجران زیر پوشش کمیته امام خمینی شهرستان پاکدشت، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- ربانی، رسول، زهرا طاهری و زهرا روستا (۱۳۹۰). بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی - اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، شماره ۵، صص ۱۰۸-۸۳.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۹). شهرگرایی و چشم‌انداز تمرکززدایی در شهر تهران، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۲۵، صص ۶۲-۴۹.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱). جمعیت و توسعه، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- سجادی، ژیللا، عیسی ابراهیم‌زاده و علی شمس‌الدینی (۱۳۹۰). تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی مورد شهرستان ممسنی، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ۲، شماره ۸، صص ۹۴-۷۷.
- سرور، رحیم (۱۳۸۸). مهاجرت از تهران: رویکردی جدید در تمرکززدایی از پایتخت، *نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، سال ۶، شماره ۱۹ و ۱۸، صص ۹۸-۷۹.
- شجاعی باغبینی، محمدمهدی، رضا انصاری و آرش مهرمنش (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

شمس، مجید، مصطفی قمی، ادیس عبودی و کاوه محمدی (۱۳۹۰). بررسی مهاجرت روستایی و تأثیر آن بر مورفولوژی شهرها نمونه موردی: شهر سقز، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱، شماره ۳، صص ۶۸-۵۷. طاهری، محمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیرگذار بر آن، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۶، شماره ۳، صص ۱۸۸-۱۶۹.

علی‌بابایی، مجتبی و محمود جمعه‌پور (۱۳۹۵) فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو - شهرستان کیودرآهنگ)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۰۶-۹۱.

علیایی، محمدرولی (۱۳۸۲). مهاجرت و شهرنشینی در ایران، فصلنامه مصباح، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۹۴-۶۳. غفاری، فرهاد، هاشم نیکومرام و ثنا کنعانی مقدم (۱۳۹۱). شناسایی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر مهاجرت معکوس مطالعه موردی کلان شهر تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال ۴، شماره ۹، صص ۷۰-۵۷. فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، چاپ اول، تهران: کویر. قاسمی اردهانی، علی و علی حسینی راد (۱۳۸۷). جریان‌های مهاجرت داخلی ایران طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۵ و ۶۶، صص ۲۶-۱.

قاسمی اردهایی، علی و رضا نوبخت (۱۳۹۵). علل و تعیین‌کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۷۰-۴۱. قاسمی اردهایی، علی، رضا نوبخت و شفیقه قدرتی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی-اقتصادی مهاجران شهر به روستا با کلان‌شهری در ایران، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۶۹-۱۴۳.

قاسمی، مریم، جعفر جوان و زهرا صابری (۱۳۹۳). تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۴، شماره ۴، صص ۳۸-۱۵. قاسمی اردهایی، علی و حسین محمودیان (۱۳۹۳). انواع و اندازه شبکه‌های مهاجرتی مهاجران از استان آذربایجان شرقی ساکن در استان تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۲۸-۳. کرسول، جان و ویکی پلاتو کلارک (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامش و جاوید سرایی، تهران: انتشارات ایژ.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی. لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، مترجم حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لهستانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید. محمودیان، حسین و سعید مقدس (۱۳۹۴). رابطه سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از مهاجرت در شهرستان بهارستان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۶، صص ۶۸۴-۶۶۳.

- مشفق، محمود و هدایت عیدی تراکمه (۱۳۹۱). سنجش رابطه مشوق‌های دولتی مهاجرت با تمایل به مهاجرت معکوس در ایران (مطالعه موردی کارمندان دفاتر ستادی وزارت جهاد کشاورزی تهران). *فصلنامه جمعیت*، سال ۱۹، شماره ۸۱ و ۸۲، صص ۱۸-۵.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین، مجتبی قدیری معصوم، محمدرضا رضوانی، عبدالحمید نظری و بهمن صحنه (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق قلا). *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۷۸، صص ۸۴-۶۷.
- ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱). *بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نوبخت، رضا، علی قاسمی اردهایی و ولی‌اله رستمعلی‌زاده (۱۳۹۸). علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت برگشتی در ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۰۹-۱۸۳.
- وارثی، حمیدرضا و کیهان باقری (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل جریان مهاجرت‌های داخلی ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵. *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۳ و ۸۴، صص ۸۵-۶۷.
- وارثی، حمیدرضا و ملیحه ایزدی (۱۳۹۰). *تحلیلی بر روند مهاجرت در استان اصفهان در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵*. *فصلنامه جمعیت*، شماره ۷۷-۷۸، صص ۱۱۲-۹۵.
- یعقوبی، جعفر و طاهره زبیدی (۱۳۹۷). *بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود - استان زنجان*. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۰۹-۱۹۶.
- Adewale, J. (2005). Socio-economic factors associated with urban-rural migration in Nigeria: a case study of Oyo state, Nigeria, *Hum. Ecol*, 17(1): 13-16.
- Andersen, L. (2002). *Rural-Urban Migration in Bolivia: Advantages and Disadvantages*, Institute De Investigation Socio-Economics, Universidad Catholic Bolivian, Lapaz, Bolivia: 1-15
- Bovenkerk, F. (2012). *The sociology of return migration: A bibliographic essay* (Vol. 20). Springer Science & Business Media.
- Cassarino, J. P. (2004), Theorising return migration: The conceptual approach to return migrants revisited, *International Journal on Multicultural Societies (IJMS)*, Vol. 6, No. 2: 253-279.
- Coleman, J. (1988). *Social Capital in the Creation of Human Capital*, American Journal of Sociology, 94: 95-120.
- Collier, W., M. Piracha & T. Randazzo (2011). *Remittances and return migration*, IZA Discussion Paper Series, 6091: 1-31.
- De Haas, H. (2010). Migration and development: A theoretical perspective 1. *International migration review*, 44(1): 227-264.
- Edward, T. J. (2003). *Migration models*. In: Demeny, P and Mcnicoll, G. Encyclopedia of population. Macmillan: USA.
- Emerson Augusto. BAPTISTA, CAMPOS, J., & RIGOTTI, J. I. R. (2017). Return migration in Brazil. *Mercator (Fortaleza)*, 16:1-18.
- Farrell, M., M. Mahon & J. McDonagh (2012). The rural as a return migration destination, *European Countryside*, Vol. 4 No. 1: 31-44.

- Gelderblom, D. (2018). The limits to bridging social capital: Power, social context and the theory of Robert Putnam. *The Sociological Review*, 66(6): 1309-1324.
- Girma, H. (2017). *The salience of gender in return migration*, *Sociology Compass*, 11(5): 2-9.
- Ma, Z. (2002). Social-capital mobilization and income returns to entrepreneurship: the case of return migration in rural China, *Environment and Planning A*, 34(10): 1763-1784.
- Okali, D, E. Okpara & J. Olawoye (2001). The Case of Aba and its Region, Southeastern Nigeria, Working Paper Series on Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies, Working Paper 4, Human Settlements Programmed IIED, 3 End Sleigh Street, London, WCIH ODD.
- Ping, H. and Zh. Shaohua (2005). Internal migration in China: linking it to development?. IOM (International Organization for Migration). Regional Conference on Migration and Development in Asia, Lanzhou, China: Department for International Development, Ministry of Foreign Affairs: 65-84.
- Rérat, Patrick. (2014). The selective migration of young graduates: Which of them return to their rural home region and which do not?, *Journal of Rural Studies*, 35: 123-132.
- Rippl, S., N. Bücken, A. Petrat, & K. Boehnke (2010). Crossing the frontier: transnational social integration in the EU's border regions. *International Journal of Comparative Sociology*, 51(1-2): 5-31.
- Stark, O. (2018). Behavior in reverse: Reasons for return migration. *Behavioral Public Policy*: 1-23.
- Tran, N. T., M., M. P. Cameron, & J. Poot (2018). Local Institutional Quality and Return Migration: Evidence from Viet Nam, *International Migration*, 57(4): 75-90.
- Von Reichert, Christiane; Cromartie, John B; Arthun, Ryano. (2013). Impacts of Return Migration on Rural U.S. Communities, *Rural Sociology*, 79: 200-226.
- Wang, Wenfie Winnie. (2004). "Urban-rural return labor migration in China: a case study of Sichuan and Anhui provinces". Department of Geography UCLA. Available on.
- White, M. & D. P. Lindstrom (2005) Internal migration. In: Poston, D and Micklin, M. *Handbook of Population*: 311-347. Plenum Publishers: USA.
- Zohry, O. (2003). Rural-urban migration in Egypt and other developing countries: a statistical and literature review. Available on: <http://www.zohry.com/thesis/chapter3.pdf>: 27-88.

Motivation of Return Migration to Saqez City: Urban Repulsions or Rural Attractions¹

Kaveh Salimi*, Shafieh Ghodrati**, Hossein Ghodrati***

Abstract

Returning to the origin of immigration or staying at the destination are two options that have been ingrained in the minds of immigrants since the beginning of migration. The purpose of this article is to investigate the rural attractions and urban repulsions related to the motivation of return migration and to recognize the importance of each in the formation of the motivation of return migration. For this purpose mixed method was used and the data collection tools were interviews and questionnaires. The statistical population of this study comprised of people aged 20 to 65, resided in neighborhoods of Baharestan Pa'in, Baharestan Bala, and Tazehabad in Saqez. The findings of the qualitative part were used to gain a deeper understanding of the study context and to develop a questionnaire. In the quantitative part, the variables of education, urban relations network, rural relations network, domestic attachment and rural facilities showed a positive relationship with the return motivation, while the variables of age and number of children did not have a significant relationship with the return motivation. Finally, in multiple regression analysis, it was found that the motivation to return is more a reflection of rural attraction than urban repulsion and underlying characteristics of migrants.

Keywords: Motivation, Return Migration, Rural Attractions, Urban Repulsions, Saqez City.

¹. Extracted from the master's thesis.

* Master of Social Science Research, Hakim Sabzevari University, E-mail: kavehsalimi1948@gmail.com

** Assistant Professor of Demography, Hakim Sabzevari University (Corresponding author), E-mail: s.ghodrati@hsu.ac.ir

*** Associate Professor of Demography, Hakim Sabzevari University, E-mail: hosseineghodrati@gmail.com